

جنبه‌های قضائی آزادیهای مدنی و سیاسی در ایالات متحده آمریکا

و تحولات اخیر آنها

نوشته - Kenneth. W. Greenawalt

۱ - مقدمه

موضوع این فصل بسیار وسیع است. در ایالات متحده تعداد قابل ملاحظه‌ای قانون و رویه‌های قضائی مربوط با آزادیهای مدنی و سیاسی وجود دارد. از اینرو به ترتیب اهمیت ما به بررسی تعدادی قواعد و اصول مسلم می‌پردازیم و در عمل نمونه‌های برجسته آنها را می‌نمائیم. هدف این نیست که از واریسی و بحث هزاران قانون و تصمیم قضائی مربوط باین موضوع که توسط دادگاههای ایالات و دادگاهها مادون ایالات، متحده مورد نظر بوده است صرف‌نظر کنیم.

صفحات بعدی اساساً به بحث از اصول معموله و ضوابط احکام دادگاه عالی تخصیص یافته است بخصوص که در این مورد تازه‌ترین تصمیمات قضائی مورد نظر قرار گرفته است.

جمله « آزادیهای مدنی و سیاسی » دارای تعریف خلاصه و مختصری نیست. این جمله از نظر تاریخی بطور کلی مشعر بر آزادیهای اساسی انسانی، ناشی از اعلامیه حقوق است، و در حال حاضر ناظر بمفاد اعلامیه حقوق اساسی ایالات متحده، و مجموعه قوانین سببانش. عبارت دقیقتر مشتمل بر مقرراتی است که در قانون اساسی برای حمایت فرد در برابر قوای عمومی منظور گردیده است. و آن‌ها آزادیهای هستند که در هر سیستم تمدن ضروری و غیرقابل انکارند و با آزادیهای قانونی موسومند و با افراد اجازه می‌دهند که از مقام انسانی بهره‌مند شوند بطور خلاصه آزادیهای مدنی و سیاسی که در این فصل مورد نظرند موضوع بسیار وسیعی را در بر دارند که متذکر همه آن نخواهیم شد.

رعایت ایجاز لازم است اما ایجاز خود می‌تواند منتهی به از بین بردن تنوع، متانت، و دقت‌های ضروری شود. هرگاه موردی نسبت بمورد دیگر دارای اختلاف اساسی و بزرگی باشد ما ناچار نمیتوانیم بذکر جزئیات بپردازیم و باید در

اختلافات بزرگ سخن کوتاه کنیم. بطور کلی اغلب تاکیدات مذکور در این فصل در «عقیده» قضاة یافت می‌شود و ما بذکر آنها می‌پردازیم.

هرگونه بررسی دقیقی درباره این موضوع مستلزم شناختن منابع مناسب است. آزادیهای انفرادی که مردم آمریکا از آن‌ها برخوردارند مبتنی بر دو پایه قانونی است.

۱ - قانون اساسی ایالات متحده. ۲ - قانون اساسی هر یک از ایالات، هر یک از این دو متضمن یک اعلامیه حقوق است که در کلیات شبیهند و در جزئیات مختلف.

منابع دوم عبارتند از قوانین و احکام مربوط با اتحاد ایالات و قوانین و احکام ایالات و شهرداریها - ۲ - آراء دادگاههای اتحادیه ایالات و دادگاههای ایالات که قانون اساسی را تفسیر می‌کنند و در مقتضیات خاص اعمال می‌نمایند همبستگی آنها یک توده عظیم از منابع را که اصول مسلم طبیعی و دامنه تسری و شمول و حدود آنها را توجیه می‌کند و برخوردار از آزادی را در مقتضیات مختلفه نشان می‌دهد، ایجاد می‌کند.

این اصول در بدو امر نسبتاً ساده هستند در مراحل تفسیر، و اعمال و اجرای آنهاست که اشکالات و معضلات نمودار می‌شوند.

این هیئتهای تقنینی هستند و این دادگاهها میباشند که «خون و گوشت» بر استخوان بندی قانون اساسی می‌افزایند. این دادگاهها هستند که مجوز و محمل بمقررات قانون اساسی می‌دهند، آن را تفسیر می‌کنند، و در مقتضیات و موقعیتهای جدید اعمال می‌نمایند.

۲ - تفوق حقوق (۱)

الف - کلیات -

قانون اساسی حاضر از آنجهت که قوانین ایالات متحده بر مبنای آن وضع شده‌اند، قانون عالی کشور است.

وقضات هر ایالت علیرغم قوانین مخالف آن یا هرگونه قانونی از این قبیل موظف باطاعت از قانون اساسی هستند. (قانون اساسی ایالات متحده اصل ۶

بند ۲)

حقوق و آزادیهایی که اهالی ایالات متحده آمریکا از آن متمتع هستند نه تنها بوسیله عادت و سنت حمایت و پشتیبانی می‌شوند، بلکه قوانین نیز پایبای این دو مقررات قانون اساسی را در برابر تجاوز هر قوه‌ای حفظ می‌نماید.

بر سر دادگاه عالی ایالات متحده در واشنگتن این اندرز حکیمانه بر سنگ‌کنده شده است، «عدالتی یکسان برای همه بوسیله قانون»

در مرافعه Little. Rock دادگاه عالی در رأی اخیر خود اعلام داشته که قانون اساسی حکومتی بوجود آورده است که وظیفه آن تحقق بخشیدن عدالت یکسان برای همه بوسیله قانون میباشد. و اصلاح چهاردهم بطور واضح متذکر این کمال مطلوب شده است. در یک دعوی بسیار قدیمی Juge Field چنین گفت:

«زمانی کشوری آزاد با نام و سرحدات آمریکا وجود دارد که حقوق غیرقابل انتقالی برای هر یک از اهالی کشور وجود داشته باشد، که در طلب خوشبختی خود باشند و این حقوق جز با قوانین عادلانه محدود نشود و بر همه یکسان اعمال شود. آزادی قانونی تمام اعمال آزادانه خود را در بر دارد و جز بلحاظ انجام وظیفه قوای عمومی بنحویه مقتضی محدود نخواهد شد.

ده اصلاح اولیه قانون اساسی در مدت کوتاهی پس از انتشار خود ایجاد اعلامیه حقوق حقیقی کرد. تصویب این اصلاحات برای از بین بردن نگرانی و دلواپسی کسانی بود که فکر می‌کردند فقدان این صراحتها موجب شود که قوای عمومی بحقوق حقیقی و شخصی افراد که بوسیله اعلامیه استقلال غیرقابل انتقال اعلام گردیده است تجاوز کند این اصل بنحوشایسته و نیکوترین وجهی تبیین شده است و اخیراً با اینگونه عبارات Juge - Frankfurter آن را تصدیق و تاکید کرده است.

کلام موجز تاریخی «یک حکومت قانونی، نه یک حکومت آدمی» خصیصه اصلی اجتماع سیاسی ما را خلاصه می‌کند. «یک حکومت قانونی نه یک حکومت آدمی» در خور این تبیین است که از استبداد و اراده مطلقه بکاهد، خواه توسط حکومت و خواه بوسیله قدرت خصوصی اعمال شود.

همانطور که دادگاه عالی اخیراً بطور قاطع اظهار نظر کرده است، میتوان نسبت باعمال خلاف قانون حکومت در مراجع قضائی اعتراض کرد، و همچنین اعلام

داشته است که مسئله محدود بزمان معینی نخواهد بود. آدمی جایز الخطاست، ممکن است مرتکب اشتباه شود، اما جبران این لغزشها نباید جز بوسیله قانون و طریق قانونی صورت گیرد تجارب خاص و مطالعات عمیق تاریخی، پایه گذاران اصلی حکومت ما را بر این امر واقف ساخته است که تنها قانون از گسیختن و پربیشانی هر اجتماع جلوگیری می‌کند و مانع پیکارهای داخلی و انقیاد جامعه بوسیله یک قدرت غیر قانونی و وحشیانه می‌شود؛ بعبارت دیگر تمدن ایجاب می‌کند که قدرت مطیع حق باشد و نشان این اطاعت وجود قانون است. کسانیکه کشور ما را پی ریزی کردند و بتدریج قانون اساسی را فراهم آوردند، تحت نفوذ فکر ایجاد یک حکومت قانونی بودند.

«ارزنده‌ترین آزادیها خود مفروض یک قدرت قضائی مستقل است که بوسیله آن بتوان آزادیها را ادعا کرد و بآنها نائل شد.»

این یکی از اصول مسلم دموکراسی ماست که هرگاه اختلافی بوجود آید باید بقضاوت دادگاهها واگذار شود نه بقضاوت اصحاب دعوی. این حقایق در حکومت یکسان اجرا می‌شوند که هیچ فرد یا گروهی بالاتر از قانون نیست هیچکس از حمایت قانون محروم نیست.

اصلاحاتی که اعلامیه حقوق را در بردارند، اعمال سازمانهای مربوط باتحاد ایالات را در حدود این اصلاحات با توجه بقوای سه گانه تقنینیه، اجرائیه و قضائیه تعیین کرده‌اند.

ب - تفوق حقوق و قوه قضائیه

قوه قضائیه ممالک متحده آمریکا به یک دادگاه عالی و دادگاههای مادون تفویض شده است، که کنگره عنداللزوم تصمیم به تشکیل آنها خواهد گرفت (قانون اساسی آمریکا اصل ۳ قسمت اول) قوه قضائیه بر تمام دعاوی ناشی از قوانین موضوعه با عدالت و درستی کاسل رسیدگی خواهد کرد و بقانون اساسی حاضر و قوانین دیگر ممالک متحده و قراردادهای منعقد شده استناد خواهد کرد که بر وفق قانون اساسی و قوانین دیگر منعقد خواهند شد (قانون اساسی آمریکا اصل ۳ قسمت ۲ بند ۱) از سال ۱۸۰۳ محکمه عالی بموجب «قانون اساسی و عالی ملت» مستفاد از قانون اساسی، اعلام کرد که قوه قضائیه بدون هیچ چون و چرا موظف باعمال حقوق مذکور در این قانون است. در همین مورد دادگاه عالی تصدیق کرده

است که قوه قضائیه اتحادیه ایالات مرجع عالی تفسیر قوانین و مقررات قانون اساسی است. این اصل، همیشه مورد احترام دادگاه کشور ما بوده است و بصورت یک عنصر ثابت و ضروری سیستم حکومت ما درآمده. نتیجه آنکه تفسیرهایی که توسط دادگاه عالی از مقررات قانون اساسی بمنظور حفظ و حمایت آزادیهای انفرادی صورت گرفته برای تمام ایالات لازم‌الاتباع است. اصل تفوق حقوق در ۲۹ سپتامبر ۱۹۵۸ در مورد L'ecole de little Rock باین صورت مورد تبیین دادگاه عالی قرار گرفته است که اعلام داشته تصمیم قبلی آن بنحویکه مشعر بر اصلاح چهاردهم در موردیکه طرد اطفال را از مدارس عمومی از جهت نژاد و رنگ آنها قدغن می‌کند در تمام کشور برای تمام سازمانهای عمومی ایالتی قدرت اجرائی و الزام آور دارد و چه مستقیم و چه غیر مستقیم نه بوسیله قوه مقننه و نه توسط مأمورین قوه مجریه یا قضائیه ایالات منسوخ نخواهد شد.

محکمه عالی اعلام داشته که رعایت اصول مذکور در این حکم برای حمایت آزادیهایی که بوسیله فرمان شروطیت ما تضمین شده است توسط ایالات ضروری است.

ج - تفوق حقوق و قوه مقننه

دادگاه عالی تأیید کرده که قانون اساسی قانون عالی کشور، خواسته و ساخته مردم است، هر عمل تقنینی باید بروفق اصولی باشد که قانون اساسی مقرر داشته است.

« هر قانون اتحاد ایالات هر یک از قوانین ایالتی که مخالف قانون اساسی است باید غیر قانونی و بی اثر اعلام گردد. »

در یک مورد جدید دادگاه عالی اعلام کرده که از تاریخ تأسیس آن راجع به ۸۱ پرونده اظهار نظر کرده است، که کنگره از حدود مقررات قانون اساسی تجاوز نموده و چنین مقرر داشته که ما با قید سوگند متعهد شده‌ایم که از قانون اساسی دفاع کنیم این تعهد چنین نتیجه‌ای را در بردارد که قوانین مصوبه کنگره باید منطبق بر اصول مقررات قانون اساسی باشد قوه قضائیه موظف است از حقوق انفرادی که بوسیله مقررات قانون اساسی تضمین شده است، حمایت کند.

مقررات قانون اساسی اندر زهای توخالی و متروکی نیست بلکه متضمن اصول زنده و عملی است که حدود اختیارات قوای عمومی را در کشور ما تعیین می‌کند.

و زمانیکه یک قانون‌کنگره در محضر دادگاه مورد اعتراض قرار گیرد این قواعد اجرا خواهند شد و اگر جز این باشد قانون اساسی بیش از یک نصیحت اثر نخواهد داشت. آنگاه که عدم موافقت قانون‌کنگره بایکی از اصول هویدا شود جز این راهی نیست که اصول آمرانه قانون اساسی را بکار بندیم. سوگند، ما را موظف می‌کند که برای تنفیذ موارد اختلاف مقررات قانون اساسی را غیرسوجه کشش ندهیم.

د - تفوق حقوق و اختیارات و حقوق ارتش

ارتش باید پیوسته مطیع قانون کشوری باشد که بآن تعلق دارد. اصل معتبر در هر اجتماع آزاد آنستکه تنها قانون است که حکومت می‌کند و ارتش در هر مورد باید از آن اطاعت نماید اصل سوم قانون اساسی کشور ما و اعلامیه حقوق برآند که از مخاطراتی که مستلزم دخالت قوای نظامی باشد، دوری جویند. ممالک آزاد جهان بحکم تجربه صلاحیت دادگاههای نظامی را بعد اقل ممکن و موارد ضروری که برای حفظ انضباط نظامیان در سر خدمت لازم است، محدود کرده‌اند. صلاحیت دادگاههای نظامی برای رسیدگی بجرائمی که توسط غیر نظامیان ارتکاب یافته است از آن جهت که رأی دادگاه قابل تجدید نظر قضائی نیست مخالف سنن سیاسی آمریکا و سازمانهای قضائی است، که هیئت منصفه در آن دخالت دارد. همیشه در ممالک متعددی مردم، نگران سلطه کامل قدرت اجرائی تقنینی، قضائی و قدرت نظامی بوده‌اند و بطور جدی وقاطع با آن مخالفت کرده‌اند این نگرانی جزء مکمل سازمانهای فرهنگی و سیاسی ما است وجود دادگاهها و تضمیناتی که از جهت آنها داریم برای سیستم حکومت ما غیر قابل انکار است. قبول این اصول بوسیله پایه گذاران ملت آمریکا برای حمایت از آزادیها و مواهبی است که بآنها عطا شده است. بدیهی است که سیستم حکومتی ما با یک حکومت مطلقه نظامی مخالف است. بانیان حکومت ما مخالف حکومتی بوده‌اند که قدرت ایجاد تفسیر و اجرای قانون را بشخص واحدی بسپرد فلسفه آنها برای آمریکا در طول تاریخش معتبر بوده است. هیئت‌های تقنینه و محاکم تنها سازمانهای نیستند که از نظر غبطه و صلاح افراد غیر نظامی ایجاد و ابتناء شده باشند بلکه برای حکومت ما نهایت ضرورت را دارند. دادگاههای نظامی از این مرحله فاصله زیاد دارند و راهی بس دراز در پیش دارند تا بتوانند حیثیت و اعتباری نظیر دادگاههای غیر نظامی و عمومی بدست آورند.

کسانی که مقررات قانون اساسی را پذیرفتند، همانطور که اراده خلل ناپذیر خود را بحفظ اصول قضاوت بوسیله هیئت منصفه اعلام میدارند نگرانی و بی اعتمادی عمیق خود را نسبت باختیارات ارتش بیان می کنند. صلاحیت دادگاههای نظامی که یک صلاحیت خاص و فوق العاده است نباید تا مقررات اعلامیه حقوق توسعه و تسری یابد در اینجا یادداشتهای Juge Murphy را که بصورت رأی اکثریت در دعوای Dun Can در آمده است بیان می کنم.

« دهشت قوه نظامی در سیستم حکومتی ما ریشه دوانده، تفوق قدرت سازمانهای مدنی نسبت بقدرت‌های نظامی میراث بزرگ گذشته است و بما مجال می دهد که آزادیها را بروفق قانون بدست آوریم نه اینکه از روی هوس تحصیل نمائیم. آزادیهای مدنی با توسعه دامنه قدرت ارتش تلفیق ناپذیر است. صلاحیت دادگاههای نظامی و کیفرهای فوری مقتضی ارتش دقیقاً بوسیله مقررات اعلامیه حقوق تعیین شده است زندگی بروفق سیستم حکومت نظامی قانون زندگی ما نیست و جز در موارد استثنائی نمیتواند مورد حمایت ما قرار گیرد. ما باید پیوسته مراقب هرگونه سوءاستفاده از قدرت نظامی یا سایر قدرت‌های باشیم که منجر به از بین رفتن آزادی و حقوق ما می شود.

د - تفوق حقوق وعهدنامه‌های بین المللی

تمام قراردادهای و مقررات ثانوی که منتشر و اجرا می شوند باید مطابق قانون اساسی باشد چه قانون اساسی چنین الزامی را در بر دارد.

هیچ موافقت با کشور خارجی جز آنکه در حدود مقررات قانون باشد اعم از اینکه این موافقت بوسیله کنگره یا سازمانهای دیگر بعمل آمده باشد، قدرت اجرایی نخواهد یافت. از این قبیل که معاهده‌ای بدادگاههای نظامی اجازه دهد که بجرائم ارتکابی در Grand Bretagne رسیدگی کند، و حال آنکه چون این قرارداد موجب می شود که افراد از محاکمه با شرکت هیئت منصفه و سایر تضمینات قانون اساسی محروم شوند، غیر قانونی است.

ه - تفوق حقوق : کشورهای جزء ایالات متحده و اعلامیه مربوط به

حقوق اتحادیه ایالات

اعلامیه حقوق مربوط باتحاد ایالات (قانون اساسی آمریکا اصلاح ۱ بند ۱) تنها از نظر حدود قدرت حکومت اتحادیه ایالات انتشار یافته است نه از نظر

قدرت حکومت‌های ایالات، دادگاه عالی از آغاز تا سال ۱۹۲۲ با بیم و امید اقدام بتفسیر این اصول نموده است و اخیراً بالصراحه تصمیم گرفت که آزادیهاییکه بوسیله اصلاح نخستین قانون اساسی مورد حمایت قرار گرفته‌اند، عبارتند از آزادی مذهب آزادی بیان، آزادی مطبوعات، آزادی اجتماعات و آزادی تقدیم عرضحال و ازاینرو باید بوسیله حکومت ایالات رعایت شوند همچنین دادگاه عالی اظهار نظر کرده است که دیگر اصلاحات که مربوط بضمیمه‌های دوم و دهم هستند داخل دراصلاح چهاردهم نیستند و رعایت آنها توسط ایالات اجباری نیست.

دومکتب در برابر دادگاه عالی اظهار وجود می‌کند یکی مکتب اقلیت (تضمنی) که تصدیق می‌کند مقررات اعلامیه حقوق متضمناً داخل در اصلاح چهاردهم است و بالنتیجه برای تمام ایالات و سازمانها لازم‌الاتباع است؛ و دیگری مکتب اکثریت (آزادی‌های مصرحه قانونی) که معتقد است این مقررات داخل در اصلاح چهاردهم نیست مگر آنکه طبق مقررات صریح قانونی اجرای آنها پیش‌بینی شده باشد. ایالات باید اصولی را رعایت کنند که شالوده هر اجتماع آزاد است اصولی که هم جوهر با آزادیهای مصوبه قانونی است. بعبارت دیگر ایالات موظف باعمال و اجرای اصولی هستند که بکار بستن آنها (بوسائل قانونی و تشکیلات سازمانی) در اعلامیه حقوق در نظر گرفته شده و چه مستقیم و چه غیرمستقیم آن‌ها را اجرا نمایند. اغلب گفته می‌شود که بملاحظه هر یک از دو مکتب اجرای این آزادیها در ایالات بموجب ترتیب و قانونی است که مطابق تئوری آزادیهای قانونی عنوان شده است بطور کلی میتوان گفت؛ که تمام اهالی ایالات متحده آمریکا مستقیم یا غیر غیرمستقیم می‌توانند از آزادیهای اساسی قانون اساسی اتحادیه ایالات متمتع شوند. در اینجا موضوع برای قدرتی که تحلیل شده بسیار پیچیده است، اما آزادیهای مدنی و سیاسی در ممالک متحده بدون داشتن چنین ایده‌ای مورد بحث قرار نمیگیرد.

و - تفوق حقوق و مسئله اتحاد ایالات

در ایالات متحده آمریکا دو شکل حکومت موجود است. در هر یک از ایالات دو حکومت وجود دارد یکی حکومت ایالتی و دیگری حکومت اتحادیه ایالات بااستثنای قدرتهائی که بموجب قانون اساسی باتحادیه ایالات توسط ملت تفویض؛ و از حکومت ایالات سلب شده است، هر ایالت دارای تمام قوای حکومتی میباشد اتحادیه ایالات خود حکومتی است که دارای حقوقی و اختیاراتی است که بموجب

قانون با و تفویض شده و جز حقوقی که بالصراحه بآن داده‌اند و آنچه از آن حقوق نتیجه می‌شود، قدرتی ندارد و باین ترتیب اتحاد ایالات کاملاً از ایالات جدا است و قوه مقننه آن بدون هیچ قید و محدودیتی به یک پارلمان یا هیئت تقنینی سپرده شده و جز از نظراعضاء آن تابع هیچ محدودیتی نیست. قدرت اتحادیه ایالات از قدرت اجرائیه و قدرت ارتش هر یک از ایالات مجزا و متفاوت است در ممالک متحده آمریکا تقسیم قوا بوسیله قانون اساسی بین ملت و ایالات و بخصوص تقسیم قدرت قضائی بین دادگاههای اتحادیه ایالات و دادگاههای ایالات مختلفه متضمن یک مسئله عدم تساوی است که از نظر ایالات طرفدار وحدت سیاسی مطرح است و بخصوص شناسائی و اجرای آزادیهای مدنی مربوطه ایجاد دو تابعیت می‌کند یکی تابعیت اتحاد ایالات و دیگری تابعیت ایالات مختلفه. مسائل مربوط با آزادیهای مدنی و سیاسی را در حدود صلاحیت محاکم میتوان هم در دادگاههای اتحادیه ایالات و هم در دادگاههای ایالات مطرح کرد و بمقررات قانون اساسی و قوانین اتحادیه ایالات یا قوانین ایالتی یا بهر دو استناد نمود و از اینجهت یک دادگاه ایالتی نمیتواند از بررسی جدید مسئله مربوط بقانون اتحاد ایالات در محکمه عالی ایالات متحده جلوگیری کند. هر دعوی مربوط بقانون اساسی ایالات متحده لزوماً متضمن یک مسئله حقوقی اتحادیه ایالات است و هر چند این دعوی در پیشگاه دادگاه ایالتی مطرح باشد دادگاه عالی است که باید در این خصوص امعان نظر کند. اصلاح نهم اعلام میدارد که ذکر و شمارش حقوق مسلم و قطعی مذکور در قانون اساسی نفی ماسوی نمی‌کند و مشعر بر انکار و استیحا ش از سایر حقوق نیست و بموجب اصل دهم قدرتهائی که در قانون اساسی ذکر نشده‌اند و دارای حقوق و اختیاراتی نیستند طبق مقررات قوانین ایالات بمردم تفویض شده و برای حمایت افراد علیه توسعه اجحاف آمیز قدرت حکومتها فواعد تفسیر مضیق در قانون اساسی و مقررات دیگر قابل اعمال است.